

بررسی روابط ایران و چین و تحولات اخیر در ایالت سین‌کیانگ

بررسی روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین و تحولات اخیر در ایالت سین‌کیانگ چین موضوع بحث جلسه هفتگی اتاق فکر در تاریخ ۱۳ مردادماه ۱۳۸۸ بود که طی آن جناب آقای ایزدی مدیر کل آسیای شرقی و اقیانوسیه به تشریح دیدگاه‌ها درخصوص موضوع فوق پرداخته و سپس به پرسش‌های حاضران پاسخ گفتند.

پیشرفته به چین، عدم همکاری نظامی از یک طرف و اتخاذ سیاسی نگاه به شرق در ایران از سوی دیگر موجب شد تا روابط سیاسی دوجانبه در طول ۳ الی ۴ سال در بالاترین سطح تبادل متقابل هیأت‌ها به ویژه در سطح رهبران دو کشور را تجربه کند. در همین دوران نطفه اصلی همکاری‌های اقتصادی دو کشور منعقد گردید.

۳. دوره برتری روابط اقتصادی بر روابط سیاسی و نظامی از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون: انعقاد قراردادهای بزرگی از قبیل طرح‌های بزرگ اقتصادی کشورمان مانند مترو، ساخت نیروگاه، پروژه ساخت کارخانجات سیمان، کشتی‌سازی، انرژی و غیره در طی همین دوره اتفاق افتاده است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و با برداشته شدن تدریجی تحریم‌های غرب علیه چین و به تبع آن تغییر شرایط بین‌المللی به نفع چین، سیاست خارجی پکن به

روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی از رشدی چشم‌گیر توأم با فراز و نشیب‌های متعدد ولی تحت تأثیر عوامل بین‌المللی برخوردار بوده است. این روابط که تا سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰ تحول خاصی را شاهد نبود، از آن پس وارد مراحل نوینی گردید که می‌توان به دوره‌های زیر دسته‌بندی نمود:

۱. دوران جنگ هشت ساله که با تفوق روابط نظامی و در مقیاسی محدودتر تبادل هیأت‌های سیاسی همراه بود.
۲. دوره ارتباطات سیاسی همراه با رکود روابط نظامی: تغییر اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران به دلیل پایان جنگ تحمیلی و وقوع هم‌زمان حادثه میدان تیان آنمن و تحریم چین از سوی غرب به ویژه آمریکا در سه زمینه عدم رفت و آمدهای سیاسی، عدم صدور فناوری‌های

سمت منافع کلان تر تغییر جهت داد و از آنجا که غرب در ازای گسترش روابط خود با چین خواهان تعهد آن کشور به رعایت به اصطلاح هنجارهای بین‌المللی بود، لذا چین بتدریج اولویت روابط خود با جمهوری اسلامی ایران را به ترتیب در بخش‌های اقتصادی و سپس سیاسی تعریف نمود که این روند تاکنون ادامه داشته است.

تعریفی از اهداف و منافع ملی چین

توسعه اقتصادی، اعاده تمامیت ارضی (بازگرداندن تایوان تحت حاکمیت ملی چین) و تثبیت نقش و جایگاه بین‌المللی را می‌توان از جمله مهم‌ترین اهداف چین توصیف نمود که نقش انکارناپذیری را در شکل‌گیری سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور ایفا می‌کنند و در همین راستا، برقراری روابط مؤثر با تمامی کشورها برای بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های موجود در آنها، ابزار دستیابی به این امر مهم، شناخته شده است. این کشور از یک طرف با کشورها و مناطق بزرگی مثل آمریکا و اتحادیه اروپائی به عنوان کشورهای مؤثر و صاحب نفوذ از ابعاد سیاسی و صاحب سرمایه و فناوری از ابعاد اقتصادی، مبادلات و مراودات نزدیکی را برقرار نموده و از سوی دیگر با کشورهای کمتر توسعه یافته ولی دارای بازارهای بزرگ و برخوردار از منابع طبیعی و معدنی به ویژه انرژی همکاری‌های نزدیکی را ایجاد کرده است.

این سیاست راهبردی چین در کنار برخی از مؤلفه‌های قدرت که چینی‌ها تا اندازه‌ای از آنها برخوردار می‌باشند، چالش‌ها و فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای را برای تأثیرگذاری و مداخله مؤثر در تحولات جاری بین‌المللی برای این کشور ایجاد کرده است. در این شرایط که چین به عنوان یک قدرت نوظهور در حال ارتقای نقش و نفوذ جهانی خود می‌باشد، از سوی برخی کشورها به ویژه آمریکا به عنوان یک رقیب ارزیابی می‌گردد. این دو کشور

از یک سو خود را ناچار به همکاری با یکدیگر می‌بینند و از سوی دیگر رقابتی سخت اما احتیاط‌آمیز را شکل داده‌اند.

همین بازی دوگانه رقابت و همکاری است که چین را بیش از هر کشور دیگری در میانه مناقشات ایران و آمریکا قرار داده است. همکاری‌هایی که ضرورت آن را باید در نیاز چین به سرمایه، دانش و فناوری آمریکایی از یک سو و دور بودن از تنش و فشاری که از ناحیه آمریکا متوجه چین است و از سوی دیگر، رقابتی که چین را به عنوان یک قدرت نوظهور به تهدیدی در مقابل آمریکا تبدیل کرده است، جستجو کرد.

بازتعریف روابط ایران و چین در شرایط جدید

ادامه تضادهای جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا و جهان غرب و برنامه هسته‌ای کشورمان و اتخاذ سیاست نگاه به شرق را می‌توان از جمله مهم‌ترین دلایلی دانست که چین را از جایگاه برجسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار نموده است. اما همان گونه که ذکر آن رفت، طی سال‌های اخیر مجموعه رفتارهایی از سوی دستگاه سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران بروز نموده است که ادامه باثبات روند فعلی آن را با تردیدهایی مواجه و بازنگری نسبی سیاست خارجی در قبال این کشور را ضروری نموده است. اگر دوره سوم در روابط ایران و چین را که با رشد و گسترش همه‌جانبه روابط همراه بود را نقطه اوج روابط دو کشور توصیف کنیم به راحتی می‌توان ادعا کرد که این روابط به‌رغم تمایل دو کشور، همواره تحت تأثیر عوامل خارجی، فراز و فرودهایی را شاهد بوده است. مهم‌ترین علل این فراز و فرودها در رفتار چین را می‌توان در عوامل ذیل جستجو نمود:

- اولویت دادن به توسعه اقتصادی، رفاه عمومی و دستیابی به جایگاه برجسته در آسیا و جهان.

- عدم توانایی مقابله با قدرت اول دنیا، چینی‌ها بین خود و آمریکا فاصله زیادی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، علمی، تکنولوژیک، صنعتی و فرهنگی قائل هستند و اعتقاد دارند تنها در صورتی می‌توانند این شکاف را پر کنند که نه تنها از درگیری با آمریکا به طور اخص و با دنیای غرب به معنای اعم پرهیز نمایند بلکه بتوانند نظر مثبت آنها را در مسیر همکاری و مساعدت جلب کنند.

- نیاز شدید به سرمایه و فناوری غرب.

- نیاز روزافزون به انرژی و سوق یافتن به سمت ایران و خاورمیانه که بخش قابل توجه از منابع و حتی راه‌های مواصلاتی انتقال آن در اختیار آمریکا و هم‌پیمانانش قرار دارد.

- مشکل تایوان و نگرانی از حمایت آمریکا از تلاش‌های جدائی‌طلبانه تایوان.

- وجود قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران.

- تمایل چین به گسترش و تقویت مناسبات خود با جهان عرب به ویژه در حوزه خلیج فارس.

در ایران انتظار بر این است که چین متناسب با حجم توانائی‌های خود در عرصه جهانی از سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران حمایت کند و در مقابل اقدامات یک‌جانبه، رفتارهای مستکبرانه و برخوردهای زورمدارانه آمریکا ایستادگی کند و به یک جایگاه بهتر بین‌المللی دست پیدا کند. اما چین به عنوان یک قدرت نوظهور، تثبیت و گسترش قدرت خود را در هم‌سوئی با جهان غرب و شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر نظام بین‌الملل جستجو می‌کند. از همین رو، ظرفیت و توانائی «مؤلفه یا عامل چین» در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران محدودیت و اندازه خاص خود را دارد. بدین منظور جهت انسجام‌بخشیدن به سیاست خارجی کشورمان در قبال چین، ضروری است ویژگی‌ها و شرایط روابط دو کشور در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی بررسی گردد تا بتوان به دور از تصورات و برخی بزرگ‌نمایی‌ها و برپایه رویکردی واقع‌گرایانه، قابلیت‌ها و توانائی‌های خود را شناخته و در جهت استفاده بهینه از آنها و متوازن‌سازی روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور اقدام نماییم.

تحولات اخیر سین‌کیانگ و موضع جمهوری اسلامی

ایران

حوادث و ناآرامی‌های اخیر در ایالت سین‌کیانگ چین در پی حمله به یک کارخانه و کشته‌شدن تعدادی مسلمان در ایالت گواندونگ آغاز شد که دامنه آن به اجتماعات اعتراض‌آمیز در ایالت سین‌کیانگ کشیده شد. چینی‌ها معتقد بودند که این حوادث خرابکارانه بوده و فاقد ریشه مذهبی و یا حتی قومی می‌باشد و تحرکات اخیر را به کنگره اویغورهای جهان به رهبری خانم ربیعہ قدیر و آمریکا منتسب می‌نمایند. مقامات چینی ابتدا به مسأله اختلافات قوم‌هان و اویغور اشاره کردند و در برخورد با ناآرامی‌ها مانع برگزاری نماز جمعه مسلمانان شدند و محدودیت‌های دیگری نیز برای مسلمانان قائل شدند. اصولاً حکومت‌های کمونیستی هیچ گاه سعی نکردند این مناطق را به عنوان مناطق مسلمان‌نشین تعریف کنند بلکه اسامی و هویت دیگری را برای آنها برگزیده‌اند.

برداشت ما از تحولات سین‌کیانگ با توجه به نقطه آغاز و ادامه آن، این است که زمینه، ماهیت و ریشه اسلامی در آن وجود دارد ولی به طور مطلق نیست بلکه عوامل دیگری نیز در تحولات آن منطقه دخیل می‌باشند. قطعاً غربی‌ها منافع خاص خود را در این منطقه دنبال می‌کنند و به دنبال برافراشتن پرچم اسلام در آنجا نیستند.

کوچ دادن قوم هان از سوی دولت چین به منطقه سین کیانگ طی چند دهه اخیر به منظور تغییر بافت جمعیتی منطقه، منجر به تنش‌های قومی نیز شده است. موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در قبال حوادث سین کیانگ می‌بایست با در نظر داشت همه جوانب موضوع اعم از ماهیت حوادث و تحولات سین کیانگ، روابط دوجانبه و نگرش‌های متفاوت داخل ایران در قبال این حوادث صورت می‌گرفت. نگاه به روابط ایران و چین از دو منظر قابل بررسی و تحلیل است: یک نگرش این است که انتظارات سیاسی ما از روابط با چین برآورده نشده است، لذا باید در قضیه سین کیانگ صرفاً به ماهیت اسلامی آن توجه نموده و مواضع تندی را علیه دولت چین اتخاذ نماییم. دیدگاه دیگر این است که با توجه به ابعاد مختلف روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و چین، می‌بایست در قبال چین با احتیاط بیشتری رفتار کنیم.

در بررسی دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها و توجه به واقعیت‌های موجود می‌توان گفت که در مسأله سین کیانگ با اعتراضات مراکز مذهبی، علما و برخی جریانات سیاسی داخلی مواجه شدیم و در عین حال تلاش کردیم به لحاظ دیپلماتیک مسأله را پوشش دهیم که در این راستا تماس تلفنی مقام عالی وزارت خارجه با همتای چینی، اعلام مواضع در سازمان کنفرانس اسلامی، پذیرش فرستاده ویژه وزیر خارجه چین در مسائل خاورمیانه و اعلام نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص حوادث اخیر سین کیانگ صورت گرفت. علاوه بر آن رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی ایران نیز به انعکاس دیدگاه‌ها در خصوص حوادث سین کیانگ پرداختند.

علیرضا نمایشی

اداره کل آسیای شرقی و اقیانوسیه

وزارت امور خارجه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی